گمانه‌زنی‌های غربی‌ها درباره پلن بی

پس از معاهده ایران

سجاد عطازاده
مترجم

سوزان مالونی، معاون موسسه بروکینگز و مسئول بخش سیاست خارجی این موسسه، در مقاله‌ای با عنوان «پس از توافق با ایران: طرح بی برای مهار ایران» که در شماره آخر نشریه فارن افرز منتشر شده، به بررسی سیر تاریخی از توافق هسته‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا پرداخته است. مالونی معتقد است بهترین راه پیش‌روی آمریکا برای مهار ایران، حمایت از اعتشاشات و دامن زدن به آنهاست.

مالونی در نوشتار خود به طور آشکاری از نیات ضد ایرانی آمریکا در حمایت از اعتشاشات پرده برداشته و منافع ملی‌ای را که تهران در فردای اعتشاشات از دست خواهد داد برمی‌شمارد. ناکام گذاشتن تلاش تهران برای بهره‌گیری از تحولات جهانی و گذار آن به چندقطبی، تضعیف بازدارندگی ایران، به عقب راندن برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای، بخشی از دستاوردهایی است که اعتشاشات می‌تواند برای آمریکا داشته باشد و به همین دلیل «نزعم این شخصیت، باید توسط واشنگتن مورد حمایت بیشتری قرار گیرد؛ حمایت‌هایی که حتی می‌تواند شامل مواردی مانند تهدید به حمله نظامی و تشدید تحریم‌ها شود.

مالونی در قسمتی از مقاله خود می‌گوید ایران پس از انقلاب اسلامی به مساله‌ای بزرگ در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد. او در جای دیگری نیز اذعان می‌کند با وجود تمام فشارها، تهران همچنان در آینده نیز این وضعیت را حفظ خواهد کرد. اشاره وی به انرژی که ایران از آمریکا به تحلیل برده، اعترافی بزرگ به نقش موثر تهران در مبارزه با سیطره شیطانی واشنگتن بر جهان و مهار این قدرت اهریمنی است. با این وجود مالونی درگیری میان ایران و آمریکا را بر گردن تهران می‌گذارد و اشاره نمی‌کند که چه دلیل جمهوری اسلامی به عنوان حکومت برآمده از انقلاب وارد تخاصم با آمریکا شد، او این سوال را مطرح نمی‌کند آیا مخاصمه شکل گرفته ابتکار جمهوری اسلامی بود یا این حکومت به ناچار خود را در مبارزه‌ای بزرگ با واشنگتن دید. در سال ۱۹۵۳ محمد مصدق مسیر استعمار برفرداد آمریکا که قصد داشت با استفاده از نفوذ این کشور، سلطه انگلیس را مهار کند، توسط سازمان سیا سرنگون شد و ایران به یکی از تاریک‌ترین دوره‌های دیکتاتوری خود وارد شد؛ جایی که قدرت شاه افزایش یافته و اندوخته‌های مبارزات چندین دهه‌ای برای ایجاد، اجرا و حفظ مشروطه به فنا رفت. این واقعه که تنها یکی از رخدادهای بلافاصله پس از انقلاب در رابطه آمریکا با ایران به شمار می‌رود نشان می‌دهد آمریکا دست کم سه دهه قبل از وقوع انقلاب، سر ناسازگاری با خواست‌ها و منافع ملت ایران داشته است.

مالونی در بخش دیگری از نوشته خود ایران را به وقت کشی و کارشکنی در احیای برجام متهم می‌کند، بدون آنکه این نکته را بررنگ کند که آمریکا طرف خارج‌شده از توافق بوده و ایران حتی پس از این عهدشکنی به مدت یک‌سال بدون کمپوکاست توافق را اجرا کرده است. این پژوهشگر آمریکایی حتی ناکامی در توافق طی ماه سیتامبر ۲۰۲۲ را نیز بر گردن ایران می‌اندازد درحالی که به گفته نشریه آتلانتیک، نقل قولی از جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خطاب به برخی از طرف‌های سیاسی وجود دارد که اعلام می‌کند «برای آن‌روز بسیار مهم است که ایران در وزارت خارجه آمریکا و نماینده این کشور در مذاکرات هسته‌ای در پاسخ به میانجیگری وی برای تسریع در احیای توافق به او گفته بودند تنها دو هفته صبر کند تا ایران با عبارتی که دامن امتیازات بازنرکنندی به میز مذاکره بیاورند. مقامات ایران نیز با رد ادعا اعلام کردند اند فارغ از مساله فوت مهسا امینی، که به عنوان جرقه‌ای برای آغاز اغتشاشات عمل کرد، آمریکا برای شروع اتمام‌یافت از اوایل مهرماه در کشور برنامه‌ریزی کرده بود. بر همین اساس بود که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ۱۴ خرداد در حرم حضرت امام خمینی- رحمت‌الله علیه- از نیی نقشه جرخه داده و به صراحت به کلید خوردن طرح قریب‌الوقوعی برای به آشوب کشیدن خیابان‌ها و تلاش برای مقابل یکدیگر قرار دادن مردم، اشاره کردند. در ادامه ترجمه این مقاله را می‌خوانید.

///

زمانی که جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی ایالات‌متحده به قدرت رسید، مصمم به احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، با ایران بود که سلف او، دونالد ترامپ، به طور یکجانبه ایالات‌متحده را در سال ۲۰۱۸ از آن خارج کرده بود. او بسرعت یک نماینده ویژه برای آغاز مذاکرات با تهران و پنج قدرت برتر که همچنان طرف توافق هستند، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و بریتانیا، منصوب کرد. بایدن در اولین سخنرانی خود در بارِ سازمان ملل اعلام کرد که دولتش «آماده بازگشت به پایبندی کامل» است و از طرفِ دیپلماسی نشان داد ایران را هم متقاعد به بازگشت کند. دستیابی به یک توافق جدید دشوار بود. مقامات ارشد دولت بایدن و بسیاری از کارشناسان خارجی به یک توافق «طولانی‌تر و قوی‌تر» امیدوار بودند. اما تهران برنامه هسته‌ای خود را از زمان خروج دولت ترامپ پیش برده بود و برای عقب انداختن این پیشرفت، پیغام‌های سنگینی ارسال کرد. بایدن با این‌وجود امیدوار بود که تیمش بتواند تفاهم جدیدی ایجاد کند که خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای را کاهش دهد.

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گره‌هم‌آورد. اگر واشنگتن تمایل دارد جلوی رفتار «ورانه» ایران در داخل و خارج را بگیرد، باید فضا را برای اعتراضات حفظ کند. اعتراضات مردمی ایران نشان‌دهنده بهترین ابزار جهان برای ایجاد تغییر مثبت و پایدار در نقش این کشور در جهان است.

تاریخچه نکبت‌بار

ایران از زمانی که محمدرضا پهلوی، آخرین شاه این کشور و شریک «هر فرد تا زمانی که مشتی بر صورت او فرود نیامده است، برنامه‌ای دارد.» آرمان‌های بایدن برای ایران هم دچار ضربات متعددی شد. اولین ضربه در فوریه ۲۰۲۲ رخ داد، زمانی که روسیه به اوکراین حمله کرد و هماهنگی قدرت‌های بزرگ را که امکان تحقق توافق هسته‌ای را فراهم کرده بود، به طور غیرقابل جبرانی از بین برد. ضربه دوم در ماه اوت بود که ایران ارسال هواپیماهای بدون سرنشین به روسیه را آغاز کرد و خود را به دشمنی برجسته‌تر و مشترِ دیدبل کرد. سومین ضربه در نوامبر رخ داد، زمانی که اعتراضات در سراسر ایران علیه دولت به راه افتاد، جهان را مجذوب خود کرد، کنترل دولت را تضعیف کرد و نیل به هرگونه توافقی را که نتیجه آن می‌توانست دریافت جمع عظیمی از منابع جدید از سوی تهران باشد، خطناک و ناخوشایند ساخت. هر یک از این اتفاقات برای طرفِ دادن برجام در آستانه سقوط کافی بود و ترکیب هر سه باهم ضربه نک‌اوت را به این قرارداد وارد کرد.

بااین‌حال، بایدن تاکنون تجدیدنظر جدی در سیاست‌های دولت در قبال ایران اتخاذ نداده است. این دولت که زیرِ فشار مربوط به جنگ در اوکراین و رقابت با چین است، به دنبال گذر از این توافق بدون احداث شاهد از ابهام هدفمند است، به طوری که از معترضان حیات تمادین می‌کند و دونیازی توافق هسته‌ای جدید را «کاهیامیت بخش» می‌دهد (کاهیامیت بخش). این راهبرد ممکن است به طور موقت از بروز بحران بر سر ایران جلوگیری کند، اما نمی‌تواند به طور نامحدود جلوی فاجعه را بگیرد. درواقع، این توقف ممکن است تا شیوع بیماری ابله به ابتکار عمل یا تشویق اسرائیل به بی‌شکیبایی منجر به بحران شود.

زمان از فرارسیده است که دولت بایدن اذعان کند که برجام قابل احیا نیست و راهبرد جدیدی طراحی کند که به کیلت چالش چیزی بیش از پایان یک ابتکار دیپلماتیک خاص است. این اتفاق نشان‌دهنده شکست نهایی دهه‌ها تلاش آمریکا برای تعامل با جمهوری اسلامی است. سیاست ایالات‌متحده در قبال ایران مدت‌ها بر این باور بوده است که واشنگتن می‌تواند با بسیاری از دولت‌های دیگر- ازجمله دشمنانش- برای کاهش تخاصم تهران همکاری کند، رهبری ایران مدت‌ها بسیار به طور جدی با ایالات‌متحده جنگ کرده و گفته قدرت این رژیم خلل‌ناپذیر است. اما اگر هم این مفروضات نیازی اعتباری داشتند، اکنون به‌وضوح دیگر کاربردی ندارند. «روما» که واشنگتن و اروپا می‌توانستند تهران را وسوسه کنند تا رفتار خود را تعدیل کند، دیگر گذشته است. امروز کشورهایی که بیشترین اهرام را روی ایران دارند روسیه و چین هستند که انگیزه چندانی برای مهار زدن وضعیت موجود ندارند. قدرت ایران ممکن است تا زمانی به دنبال یک آتش‌بس محدود با ایالات‌متحده بوده باشد، اما این رژیم اکنون از خیر دستیابی به روابط با غرب گذشته و آینده ایران را برمبنای روابط با سایر کشورهای اقتدارگرا قرار داده است. این امر، مرحله عادی ایران که ماهها باوجود خطرات بیانی در اعتراضات خیابانی با رژیم مقابله کرده‌اند، راه را برای آینده‌ای متفاوت برای کشور خود هموار می‌کند.

البته روش است که تغییر مسیر هرگز آسان نیست و سرمایه‌گذاری سیاسی و دیپلماتیک بایدن در امر برجام، ترک این توافق را دشوار از زمان خروج دولت ترامپ پیش برده بود و برای عقب انداختن این پیشرفت، پیغام‌های سنگینی ارسال کرده بود. بایدن با این‌وجود امیدوار بود که تیمش بتواند تفاهم جدیدی ایجاد کند که خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای را کاهش دهد.

از توافق خارج شود، شرطی که بایدن قدرت انجام آن را نداشت. هر زمان هم که دو طرف به توافق نزدیک می‌شدند، تهران درخواست امتیازات بیشتری از مطرح می‌کرد و پیوسته هرگونه توافق را به تعویق می‌انداخت.

بااین‌حال در اولین سال ریاست‌جمهوری بایدن، دیپلمات‌های آمریکایی امیدوار بودند که درنهایت این بند را بشکنند. به‌هرحال توافق اولیه هم نزدیک به دو سال طول کشیده بود تا به نتیجه برسد. اما حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ زیست‌بوم بین‌المللی را که توافق در آن پابرجا مانده بود، متحول کرد. توافق هسته‌ای اولیه به همکاری غرب با مسکو بستگی داشت زیرا مسکو در گسترش زیرساخت‌های هسته‌ای ایران نقش‌آفرینی کرده بود و به همین دلیل این قدرت را داشت که تهران ترغیب، متقاعد و بعضاً مجبور کند تا با غرب کنار بیاید. این جنگ نه‌تنها اشتهای روسیه برای هماهنگی با ایالات‌متحده را از بین برد بلکه به مسکو انگیزه داد تا این قرارداد را به طور کامل خاتمه دهد. زیرا هرگونه کاهش تحریم‌ها برای ایران به این کشور اجازه می‌داد که دوباره نفت خود را در بازارهای جهانی بفروشد و درآمد نفتی روسیه را کاهش دهد. این درحالی است که طولانی شدن بحران هسته‌ای ایران به سود دادن تهران به مدار کرملین کمک می‌کند.

به نظر می‌رسد مقامات ایران نیز محاسبه مشابهی انجام داده‌اند. رئیس‌جمهور ایران، ابراهیم‌رئیسی چند هفته قبل از حمله روسیه به اوکراین به مسکو سفر کرد؛ سفری که او دیگر مقامات آن را «نقطه عطفی» در روابط دوجانبه طرفین توصیف کرد. ایران از آن زمان هزاران هواپیمای بدون سرنشین به مسکو فروخته است که روسیه از آنها برای تخریب زیرساخت‌های حیاتی اوکراین استفاده کرده است. این همچنین به آمریکا و متحدانش نیز ارسال و انتقال سامانه‌های تولید پهپاد به روسیه کمک می‌کند و به گفته دولت بایدن، ممکن است در مقابل رسیدن ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه را آغاز کند. در مقابل مسکو به ایران وعده صادرات بالگرد، سامانه‌های دفاع هوایی و جت‌های جنگنده داده است. خلبانان ایرانی درحال آموزش برای کار با هواپیماهای جنگی سوخو-۳۵ در روسیه هستند که قرار است به کشور آنها داده شود. مسکو همچنین گفته است که ۴۰ میلیارد دلار برای توسعه صنعت نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری خواهد کرد (اگرچه اما واگرایی دارند که این سرمایه‌گذاری چه وجود دارد) و قول داده است که کریدورهای تجاری و سازوکارهای مالی ضدتحریم بین دو کشور ایجاد کند.

تصمیم ایران برای همسو شدن با جنگ روسیه چین بیش از یک فرصت‌طلبی کوتاه‌مدت رامنعکس می‌کند: این تصمیم نشان‌دهنده یک تحول چشمگیر در نگرش‌ها و منافع نخبگان حاکم جمهوری اسلامی است. ده سال پیش، رژیم ایران دسترسی به بازارها و سامانه‌های غربی مانند سیستم پیام‌رسانی مالی سوئیفت در اروپا را تنگار برای اقتصاد کشور و ثبات جوّ حیاتی می‌دانست که بر پایه آن ۳۰ سال بیزاری از دشمن سابق، ایالات‌متحده، غلبه کرد. همان‌طور که خودرهبر ایران آیت‌الله علی خامنه‌ای در سال ۲۰۱۵ گفت: «دلیل اینکه ما وارد مذاکره شدیم و برخی امتیازها را دادیم، لغو تحریم‌ها بود.» اما امروز، جمهوری اسلامی دیگر غرب را مجازیی خیوی- با حتی قابل دوام- برای منافع اقتصادی نمی‌بیند. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی خود این توافق استفاده از دیپلماسی چندجانبه به عنوان ابزاری برای حل‌وفصل حتی سخت‌ترین چالش‌های وارده از سوی ایران را تایید می‌کرد. اما برای منتقدان، این واقعیت که محدودیت‌های توافق درنهایت منقضی می‌شد، حکایت از تسلیم قبل‌تصوری بود. پس از خروج ترامپ، از توافق در سال ۲۰۱۸، ایران مدارخات منطقه‌ای خود را افزایش داد و بسیاری از اصول توافق را زیر پا گذاشت.

دولت بایدن به دنبال خنثی کردن اقدامات ترامپ بود، اما تلاش‌های آن برای احیای برجام به‌سرعت به مشکل مواجه شد. تهران از تعامل مستقیم با دیپلمات‌های آمریکایی خودداری کرد و واشنگتن مجبور شد از طریق شرکای اروپایی خود، اتحادیه اروپا، پیغام‌ها را رد و بدل کند. این اصرار داشت که دولت بایدن تضمین کند که هیچ رئیس‌جمهوری در آینده نمی‌تواند

ادامه از صفحه ۱۴

ادعای مشروعیت دولت دو دلیل فساد و خویشاوندگرایی کمرنگ شده مردم عادی ایران دیگر هیچ گونه توهم و خیالاتی درباره پیشرفت در آینده ندارند. یک دهه پیش، مذاکره با غرب تنها راه خروج از تحریم‌های فاجعه‌بار را به تهران ارائه داد اما امروز تهران، چین و روسیه را جایگزینی جذاب می‌بینند. بدون همکاری یکن و مسکو هم واشنگتن نمی‌تواند فشار کافی بر تهران اعمال کند تا رهبرانش را متقاعد به سازش کند.

این اعتراضات همچنین سوالات جدیدی را درباره ارزش توافق هسته‌ای ایجاد کرده است. حتی اگر دیپلماسی بتواند در احیای برجام موفق شود، چندان واضح نیست که مزایای انجام این کار بیشتر از هزینه‌های آن باشد. احیای برجام منجر به سرریز شدن منابع قابل‌توجهی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و نظام حاکم بر ایران را به قیمت ضربه دیدن معترضان از این عهدشکنی به مدت یک‌سال بدون سوی ایرانیان شجاعی که زندگی و معیشت خود را به امید ایجاد تغییر به خطر انداخته‌اند، به‌عنوان خیانت تلقی خواهد شد. همان طور که رویا حکاکیان، فعال حقوق‌بشر ایرانی آمریکایی در ماه اکتبر اظهار داشت: «بدترین کاری که ما، ایالات‌متحده، در حال حاضر می‌توانیم انجام دهیم این است که در کنار افرادی بنشینیم که به نظام‌گزینندگان صلح‌جو، در خیابان‌ها تیراندازی می‌کنند.»

احیای برجام در مقطع فعلی سبب نقض یکی از اهداف اولیه خود توافق خواهد شد: متقاعد کردن تهران به دست کشیدن از بدخواهانه‌ترین سیاست‌های خود. در آن زمان، باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده، اظهار داشت که بر سر تغییر رفتار ایران (در توافق ۲۰۱۵ شرط نمی‌بندد اما درعین‌حال اعلام کرد که تغییر در ایران) چیزی است که می‌تواند محصول جانبی مهم این توافق باشد. البته افرادی دیگر در ابراز این امیدواری صریح‌تر بودند. فیلیپ هاموند، وزیر امور خارجه بریتانیا در زمان انعقاد آخرین مراحل برجام، اظهار داشت: «دمپ این توافق تنها پایان این رقابت تسلیحاتی یا پایان جاه‌طلبی‌های ایران نبود. ثمره توافق بازسازی بسیار گسترده روابط ایران و غرب بود.» هر توافقی که امروز شکل بگیرد، یعنی زمانی که رژیم درگیر جنایات گسترده در داخل است و به روسیه کمک می‌کند تا با هواپیماهای بدون سرنشین به اوکراین حملات وحشیانه انجام دهند، به تحلفات تهران پاداش می‌دهد و جلوگیری از ارتکاب تعداد بیشتری از آنها را بسیار دشوارتر می‌کند.

چشم‌پوشی از توافق هسته‌ای ایران برای دولت بایدن آسان نخواهد بود؛ تا حدی به این دلیل که برخی از بلندپایه‌ترین مقامات سیاست خارجی دولت بایدن از معماران اصلی توافق اولیه بودند. این مقامات می‌دانند که در زمان انعقاد، برجام یک دستاورد تاریخی بود؛ اولین نمونه از مذاکرات مستمر، مستقیم و سطح بالا بین مقامات آمریکایی و ایران در دهه‌ها و موردی نادر که در آن تهران و واشنگتن دربارهٔ یک موضوع حیاتی امنیت ملی به توافق رسیدند. مقامات آمریکایی برای نیل به این توافق، در نبرد چندساله‌ای علیه مخالفان در واشنگتن و چندین شریک با نفوذ ایالات‌متحده در خاورمیانه، ازجمله اسرائیل و عربستان‌سعودی، پیروز شدند. برای آنها، این مبارزه ارزشش را داشت زیرا توافق وعده حل یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان را می‌داد و درعین‌حال بر قدرت تعامل صلح‌آمیز تاکید می‌کرد.

ارزش توافق با نبود هر جایگزین بهتری افزایش یافت. حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران خطر تشدید تنش منطقه‌ای بسیار پرهزینه با به همراه خواهد داشت و در بهترین حالت تنها یک مهلت موقت از تهدید یک ایران هسته‌ای را ارائه می‌کند. برنامه هسته‌ای ایران بسیار پیشرفته‌تر از آن است که به‌طورقطعی از طریق حملات هوایی ازبین برود؛ با تاسیسات حیاتی که برای آسیب‌پذیری طراحی شده‌اند و نزدیک به مرکز عمده جمعیتی قرار دارند. روایت مالی، یکی از مقامات شورای امنیت ملی در دوره اوباما و نماینده ویژه کنونی ایالات‌متحده در امور ایران، در اکتبر ۲۰۲۲ اظهار داشت: «هیچ راه‌حل و بلندمدتی جز راه‌حل دیپلماتیک وجود ندارد.» مالی در دسامبر به رادیو اروپای آزاد گفت: «صرف‌نظر از هر اتفاقی که در چند ماه گذشته افتاده است، ما همچنان معتقدیم که بهترین راه برای اطمینان از اینکه ایران نمی‌تواند به سلاح هسته‌ای دست یابد، توافق هسته‌ای است.» مقامات شرکای اروپایی نیز مواضعی مشابه داشته‌اند.

اما فقدان یک جایگزین واضح به معنای امکان‌پذیر بودن ادامه مسیر فعلی نیست. از واقعیت‌ها نمی‌توان چشم‌پوشی نمود؛ در اثنای اعتراضات، جنگ در اوکراین و سرکشی عمومی ایران توافق نمی‌تواند نجات یابد. بایدن قول داده است که ایران تحت نظارت او به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد و اگر قصد دارد به این تعهد عمل کند، دولتش باید راه‌حل دیگری بیابد.

دولت بایدن می‌تواند این کار را با ایجاد اجماعی با حضور فرانسه، آلمان، بریتانیا و سایر کشورهای هم‌فکر خود با هدف ممانعت از انجام اقداماتی که تهران را به آستانه تولید سلاح هسته‌ای می‌رساند، آغاز کند. این اقدامات شامل غنی‌سازی اورانیوم با خلوص ۹۰ درصد، پایان دادن به بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خروج از معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و ازسرگیری فعالیت‌های نظامی یا مرتبط با نظامی ماندن افزایش تولید فلز اورانیوم است. دولت بایدن باید همراه با شرکای اروپایی، پیامدهای اقتصادی، سیاسی و نظامی قابل‌تنگه‌ای را که در صورت فرارفتن از این خطوط در انتظار ایران است، بیان کند. این پیامدها باید شامل اقدامات تنبیه‌کننده در تجارتی و مالی و آمادگی واشنگتن به ومتحدان و شرکای آن برای استفاده از زور برای تخریب زیرساخت‌های هسته‌ای ایران باشد. این خطوط قرمز و پیامدها باید بی‌پرده‌سود، در بالاترین سطوح و از طریق چندین واسطه مورد اعتماد به تهران اطلاع داده شود.

این پیام باید با افزایش سرعت مانورهای نظامی مشترک در منطقه با مشارکت اسرائیل، ایالات‌متحده و کشورهای عربی که نشان‌دهنده توانایی حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران است، تقویت شود؛ مشابه آنچه به‌طور دسته‌جمعی به دلیل انتخاب مجدد محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، به خیابان‌ها رخدنت. در آن‌زمان هم‌اندنت اکنون، جهان به حمایت از فریاد آزادی ایرانیان پرداخت. در آن زمان هم دولت ایران آمریکا را متهم می‌ساخت. در ماه‌های بعد، سرکوب دولت و خستگی مخالفان بر اوضاع غلبه کرد اما شیخ امنیت مردمی و فشار شدید اقتصادی ناشی از تحریم‌های چندجانبه، رهبران ایران را وادار ساخت تا با اکراه به مذاکره با واشنگتن که پیش‌تر غیرقابل تصور تلقی می‌شد، روی آورند.

اینجا چرخش جمل گرایانه از سوی ایران تحت‌فشار قابل‌درک است، اما تعبیرات در داخل ایران و در نظام بین‌المللی احتمال وقوع آن را رد می‌کند. در ده گذشته، اختلافات جمعی در داخل نظام کاهش یافته و اجماعی از نخبه‌ها در قدرت مستحکم شده است.

ایران را به دنبال دارد، اما به ابهام درباره احتمال بازگشت به توافق پایان می‌دهد، نیروی نمادین تحریم‌های سازمان ملل را مجدداً اعمال کرده و از پایان محدودیت فروش موشک‌های بالستیک ایران در پایان امسال خودداری می‌کند.

مکانیسم ماشه تنها راهِ اقتصادی این کشورها برای تهران نیست. بسیاری از کشورهای دیگر معتقد هستند که تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران یک راهبرد نفوذ مهم است. نقش مخرب ایران در اوکراین دیدگاه‌های اروپایی‌ها را نسبت به تهران سخت‌تر کرده است؛ اقدامی که در تصمیم‌پارلمان اروپا در ژانویه برای اعلام سپاه پاسداران انقلاب ایران به عنوان یک سازمان تروریستی نشان داده شد. کشورهای اروپایی نیز می‌توانند همان کاری را که با طبقه الیگارشی‌های روس انجام دادند، نسبت به طبقه «آقازاده» ایران اجرایی کرده و دارایی‌های آنها در غرب را مسدود کنند.

البته ممکن است با توجه به این دیدگاه حاکم بر ایران که غرب در حال افول است، اقدامات یک‌جانبه غرب، تهران را تحت تاثیر قرار ندهد. بنابراین، واشنگتن و شرکای آن باید سخت تلاش کنند تا چین، یکی از شرکای خودخوانده تهران و خریدار عمده نفت این کشور را به همکاری وادارند. این اقدام بسیار دشوار خواهد بود. چین در طول مذاکرات هسته‌ای با ایران همواره سعی کرده است نقش یک «مفت‌خور» را داشته باشد؛ دیپلمات دیگر نیز ندارد که باور کنیم رهبران چین آماده هستند تا مسئولیت بیشتری برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای به عهده بگیرند؛ آن هم به‌ویژه در هنگامی که تنش‌ها بین پکن و واشنگتن به اوج جدیدی رسیده است.

اما چین، روسیه نیست و هنوز هم سود تولیدی این شرکت را با یتک در چین ساختمان کنگره آمریکا شکستند. این تصمیم‌شرکت نوشیبا که شناسایی و ردیابی زیردریایی‌های هسته‌ای شوری را برای نیروی دریایی ایالات‌متحده دشوارتر می‌ساخت، امنیت جمعی ژاپن، ایالات‌متحده و ناتو را به خطر می‌انداخت. در واکنش به این اقدام، قانونگذاران آمریکایی خواستار ممنوعیت واردات محصولات تولیدی توشیبا و کونگرنرگ- پیمانکار دفاعی دولتی نروژی که در تولید این تیغه‌ها همکاری کرده بود- شدند. برخی سیاستمداران آمریکایی حتی پیشنهاد کردند که دولت ژاپن باید به‌دلیل عدم اجرای قوانین کنترل صادرات خود تحت‌تعقیب قرار گیرد. بر اثر همین مباحث، موضوع خسته‌کننده وفنی کنترل صادرات به‌طور ناگهانی و غیرعادی در صفحه اول روزنامه‌های سراسری قرار گرفت اما پس از مدتی فضا آرام و بحث کنترل صادرات از منظر عمومی محو شد.

اما امروز دوباره کنترل صادرات به میدان بازگشته است. حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، ایالات‌متحده و ۳۷ دولت دیگر را بر آن داشت تا صادرات فناوری‌های پیشرفته را به مسکو محدود کنند. روسیه تنها کشوری نیست که اخیراً تحت چنین کنترل‌هایی قرار گرفته، چین نیز پیش‌تر دچار این محدودیت‌ها شده بود؛ زمانی که دولت بایدن در ۷ اکتبر ۲۰۲۲ به‌تنهایی صادرات تراشه و ماشین‌آلات مرتبط را به چین در تلاش برای «خنثی کردن» صنعت نیمه‌رسانا‌های نوپای این کشور ممنوع اعلام کرد. این ممنوعیت یکجانبه قطعاً تاثیراتی خیابان‌ها نیز نفوذ چندانی ندارد. آینده ایران درنهایت به خود ایرانیان بستگی دارد. اما سیاستگذاران ایالات‌متحده می‌توانند با متحدان و شرکای خود کار کنند تا اطمینان حاصل کنند که جامعه بین‌المللی به تلاش‌های قهرمانانه مردمان ایرانی توجه می‌کند. واشنگتن می‌تواند سرکوب تهران را افشا کند و با همکاری نزدیک با هیات حقیقت‌یاب خیابان‌ها نیز نفوذ چندانی ندارد. آینده ایران درنهایت به خود ایرانیان بستگی دارد. اما سیاستگذاران ایالات‌متحده می‌توانند با متحدان و شرکای خود کار کنند تا اطمینان حاصل کنند که جامعه بین‌المللی به سرکوب تهران را افشا کند و با همکاری نزدیک با هیات حقیقت‌یاب خیابان‌ها نیز نفوذ چندانی ندارد. آینده ایران درنهایت به خود ایرانیان بستگی دارد. اما سیاستگذاران ایالات‌متحده می‌توانند با متحدان و شرکای خود کار کنند تا اطمینان حاصل کنند که جامعه بین‌المللی به

یک تاکتیک مخاطره‌آمیز که به همکاری متحدان نیاز دارد

بازگشت کنترل‌های صادراتی

چاد بی پاون، پژوهشگر ارشد اندیشکده Peterson Institute for International Economics در مقاله‌ای با عنوان «بازگشت کنترل‌های صادراتی، که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده این مساله را ،یک تاکتیک مخاطره‌آمیز که به همکاری متحدان نیاز دارد، ترسیم کرده است. او در این گزارش به بررسی به کارگیری دوباره تکنیک کنترل صادرات از سوی کشورهای غربی پرداخته و معتقد است روزهایی که انحصار ایالات‌متحده بر فناوری و تولید پیشرفته به این کشور اجازه می‌داد به‌طور یکجانبه از امنیت ملی خود محافظت کند، گذشته است و برای موفقیت در جدید کنترل‌های صادراتی باید با متحدان خود همکاری کند. در ادامه ترجمه این مقاله را می‌خوانید.

///

در اول جولای ۱۹۸۷، ۹۰ عضو کنگره ایالات‌متحده در اعتراضی نمادین به افشای ناگهانی این خبر که شرکت ژاپنی توشیبا به‌طور غیرقانونی تیغه‌های ملخ بی‌صدای زیردریایی را به اتحاد جماهیر شوروی داده است، چند ضبط‌صوت تولیدی این شرکت را با پتک در چمن ساختمان کنگره آمریکا شکستند. این تصمیم‌شرکت توشیبا که شناسایی و ردیابی زیردریایی‌های هسته‌ای شوروی را برای نیروی دریایی ایالات‌متحده دشوارتر می‌ساخت، امنیت جمعی ژاپن، ایالات‌متحده و ناتو را به خطر می‌انداخت. در واکنش به این اقدام، قانونگذاران آمریکایی خواستار ممنوعیت واردات محصولات تولیدی توشیبا و کونگرنرگ- پیمانکار دفاعی دولتی نروژی که در تولید این تیغه‌ها همکاری کرده بود- شدند. برخی سیاستمداران آمریکایی حتی پیشنهاد کردند که دولت ژاپن باید به‌دلیل عدم اجرای قوانین کنترل صادرات خود تحت‌تعقیب قرار گیرد. بر اثر همین مباحث، موضوع خسته‌کننده وفنی کنترل صادرات به‌طور ناگهانی و غیرعادی در صفحه اول روزنامه‌های سراسری قرار گرفت اما پس از مدتی فضا آرام و بحث کنترل صادرات از منظر عمومی محو شد.

اما امروز دوباره کنترل صادرات به میدان بازگشته است. حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، ایالات‌متحده و ۳۷ دولت دیگر را بر آن داشت تا صادرات فناوری‌های پیشرفته را به مسکو محدود کنند. روسیه تنها کشوری نیست که اخیراً تحت چنین کنترل‌هایی قرار گرفته، چین نیز پیش‌تر دچار این محدودیت‌ها شده بود؛ زمانی که دولت بایدن در ۷ اکتبر ۲۰۲۲ به‌تنهایی صادرات تراشه و ماشین‌آلات مرتبط را به چین در تلاش برای «خنثی کردن» صنعت نیمه‌رسانا‌های نوپای این کشور ممنوع اعلام کرد. این ممنوعیت یکجانبه قطعاً تاثیراتی خیابان‌ها نیز نفوذ چندانی ندارد. آینده ایران درنهایت به خود ایرانیان بستگی دارد. اما سیاستگذاران ایالات‌متحده می‌توانند با متحدان و شرکای خود کار کنند تا اطمینان حاصل کنند که جامعه بین‌المللی به سرکوب تهران را افشا کند و با همکاری نزدیک با هیات حقیقت‌یاب خیابان‌ها نیز نفوذ چندانی ندارد. آینده ایران درنهایت به خود ایرانیان بستگی دارد. اما سیاستگذاران ایالات‌متحده می‌توانند با متحدان و شرکای خود کار کنند تا اطمینان حاصل کنند که جامعه بین‌المللی به

و شرکت‌های تجاری برای تماس با شرکت ماشین‌ابزار توشیبا استفاده کرد. شوروی به تجهیزات شرکت ژاپنی برای برش، آسیاب و صیقل قطعات بزرگ فلز مربوط به تیغه‌های پروانه زیردریایی نیاز داشت. توشیبا موافقت کرد که این ماشین‌ها را تامین کند و با شرکت کونگرنرگ برای آماده کردن ابزارآلات ژاپنی برای غیرقابل‌شناسایی کردن پروانه‌های زیردریایی‌های شوروی همکاری کرد.

درنهایت زمانی که در سال ۱۹۸۷ جزئیات این معاملات اعلام شد، در آمریکا غوغایی به پا شد. شدت واکنش کنگره برای ترساندن توشیبا و دولت نروژ و واداشتن آنها برای انجام دو تحقیق مستقل کافی بود. توشیبا تلاش کرد آسیب را محدود کند: مدیران خود را اخراج کرد، تیمی از لابی‌گران را در واشنگتن استخدام و آگهی‌های تمام صفحه‌ای را در ده‌ها روزنامه منتشر و از مردم آمریکا عذرخواهی کرد. اما خشم کنگره همچنان پابرجا بود و دوباره افزایش یافت زمانی که تقریباً یک سال بعد، دادگاه‌های ژاپن توشیبا شرکتی با درآمد سالانه ۱۷ میلیارد دلار را تنها با ۵ هزار دلار جریمه مجازات کردند. برای سیاستگذاران، این تحقیقات مشکلات عمیقی را در سیستم کنترل صادرات کشورهای متحد ایالات‌متحده آشکار کرد. کونگرنرگ از اوایل دهه ۱۹۷۰ با شرکت‌های ماشین‌ابزار مختلف در فرانسه، آلمان، ایتالیا و بریتانیا برای تولید زیردریایی‌های هسته‌ای شوروی همکاری داشت. این افشاگری، دولت‌های متحد را وادار کرد تا تحقیقات خود را انجام دهند؛ اقدامی که بازهم تخلفات بیشتری را کشف کرد. به نظر می‌رسید تعداد کمی از اعضای ناتو قوانین خود را که چنین بیرونی فناوری را به اتحاد جماهیر شوروی محدود می‌کرد، به‌اندازه کافی اجرا می‌کردند.

زمان‌بندی ضعیف

زمان وقوع حادثه توشیبا- کونگرسنرگ برای ایالات‌متحده ناگوار بود. رونالد ریگان، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده چندماه قبل از انتشار این رسوایی، در «سخنرانی وضعیت کشور» خود در ژانویه ۱۹۸۷، از «اینکار رقابت‌پذیری» دولت رونمایی کرده بود که مشتمل بر راهبردهایی برای جذاب‌تر کردن اقتصاد، رسیدگی به کسری تجاری عظیم و کاهش محدودیت کنترل صادرات ایالات‌متحده در مقایسه با اروپا و ژا